



نقش گردشگری روستایی در تنوع بخشی به اقتصاد روستا: مرور تجربیات جهانی و ایران

حسین کیانی نیا

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد توسعه روستایی. گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

رایانامه: h_kiaaa@yahoo.com

خلاصه

گردشگری روستایی طی دهه های اخیر به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای توسعه پایدار و تنوع بخشی به اقتصاد روستاها در سطح جهان شناخته شده است. مرور مطالعات انجام شده در اروپا، آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه نشان می دهد که این نوع گردشگری توانسته با ایجاد فرصت های شغلی جدید، تقویت صنایع دستی و احیای فرهنگ بومی، سهم مهمی در بهبود معیشت روستاییان ایفا کند. در کشورهای توسعه یافته، چارچوب های نهادی پایدار، بازاریابی حرفه ای و پیوند گردشگری با کشاورزی از عوامل اصلی موفقیت بوده اند. در مقابل، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، علی رغم وجود ظرفیت های فراوان طبیعی و فرهنگی، ضعف در سیاست گذاری مشارکتی، کمبود زیرساخت، بازاریابی ناکارآمد و تهدیدات زیست محیطی موجب محدودیت کارایی این بخش شده است. یافته های این مقاله نشان می دهد که ایران می تواند با بهره گیری از تجارب جهانی و بومی سازی الگوهای موفق، جایگاه گردشگری روستایی را در سیاست های توسعه ای خود تقویت کند. در این راستا، توانمندسازی جوامع محلی، ارتقای بازاریابی دیجیتال، پیوند گردشگری با کشاورزی و صنایع دستی و حفاظت از محیط زیست و فرهنگ بومی، از مهم ترین راهکارهای پیشنهادی به شمار می روند.

کلمات کلیدی: گردشگری روستایی، توسعه پایدار، تنوع بخشی اقتصادی، بوم گردی، گردشگری کشاورزی.



۱. مقدمه

روستاها به عنوان واحدهای بنیادین سکونتگاهی، نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی، حفاظت از محیط زیست و انتقال میراث فرهنگی ایفا می کنند. با این حال، در دهه های اخیر، بسیاری از مناطق روستایی ایران و جهان با چالش های جدی اقتصادی مواجه شده اند؛ از جمله وابستگی شدید به کشاورزی، کاهش بهره وری منابع، فصلی بودن درآمدها، نبود فرصت های شغلی پایدار و مهاجرت گسترده جمعیت فعال به شهرها. این روندها نه تنها تعادل فضایی-جمعیتی را برهم زده اند بلکه موجب تضعیف سرمایه های انسانی و اجتماعی در جوامع روستایی شده اند. در چنین شرایطی، ضرورت تنوع بخشی به اقتصاد روستاها بیش از پیش آشکار می شود؛ راهبردی که می تواند تاب آوری جوامع محلی را در برابر بحران های اقتصادی و زیست محیطی تقویت کند. یکی از راهکارهای مورد توجه برای تحقق این هدف، توسعه گردشگری روستایی است. گردشگری روستایی که طیف وسیعی از فعالیت ها مانند بوم گردی، گردشگری کشاورزی، صنایع دستی و بازدید از جاذبه های فرهنگی-طبیعی را دربر می گیرد، می تواند منبع درآمد مکمل برای خانوارها فراهم آورد، فرصت های شغلی جدید ایجاد کند و زمینه بازاریابی محصولات محلی را توسعه دهد. افزون بر این، حضور گردشگران انگیزه ای برای حفظ میراث فرهنگی و محیط زیست ایجاد می کند و باعث ارتقای سرمایه اجتماعی روستاها می شود. با این حال، تجربه های جهانی نشان داده است که گردشگری روستایی بدون برنامه ریزی و مدیریت صحیح می تواند پیامدهای منفی نیز به همراه داشته باشد؛ از جمله فشار بر منابع طبیعی، تجاری سازی فرهنگ، افزایش نابرابری درآمدی و فصلی بودن فرصت های شغلی. مرور ادبیات موجود بیانگر آن است که عوامل متعددی در موفقیت یا ناکامی پروژه های گردشگری روستایی نقش دارند: مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی، کیفیت زیرساخت ها، دسترسی به بازارهای هدف، سیاست های حمایتی دولت، و به کارگیری ابزارهای نوین بازاریابی به ویژه فناوری های دیجیتال. بر همین اساس، مطالعه تطبیقی تجربیات جهانی و ملی می تواند چشم انداز روشنی از فرصت ها و تهدیدهای این حوزه ارائه کند. هدف این مقاله مروری، تحلیل جامع نقش گردشگری روستایی در فرآیند تنوع بخشی اقتصادی در مناطق روستایی است. به طور مشخص، مقاله سه پرسش محوری را دنبال می کند:



۱. گردشگری روستایی از چه مسیرهایی می تواند به تنوع درآمد و اشتغال در روستاها کمک کند؟
 ۲. چه عواملی موفقیت یا ناکامی برنامه های گردشگری روستایی را تعیین می کنند؟
 ۳. چه درس هایی از تجربیات جهانی برای بهبود وضعیت ایران قابل استفاده است؟
- دامنه این مقاله شامل مرور مطالعات نظری و تجربی منتشرشده در دو دهه اخیر در سطح بین المللی و ایران است که به بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گردشگری روستایی پرداخته اند. منابع مورد بررسی شامل مقالات علمی معتبر، گزارش های سازمان های بین المللی و مطالعات موردی ملی خواهد بود.
- انتظار می رود این مرور ادبیات، علاوه بر روشن ساختن دستاوردها و چالش های موجود، شکاف های پژوهشی را نیز آشکار کند؛ از جمله فقدان مطالعات بلندمدت درباره اثرات واقعی گردشگری، کمبود ارزیابی های جامع از پیامدهای اجتماعی- زیست محیطی و ضعف پژوهش ها در زمینه نقش فناوری و بازاریابی دیجیتال. بدین ترتیب، مقاله حاضر می تواند هم برای پژوهشگران جغرافیا و برنامه ریزی روستایی ارزش علمی داشته باشد و هم به عنوان راهنمایی برای سیاست گذاران و مدیران محلی در تدوین برنامه های توسعه پایدار روستاها مورد استفاده قرار گیرد.

۲. چارچوب نظری و مفهومی

گردشگری روستایی طی دهه های اخیر به عنوان یکی از مهم ترین استراتژی های توسعه و تنوع بخشی اقتصادی در مناطق روستایی مطرح شده است. این نوع گردشگری به دلیل ماهیت چندبُعدی خود نه تنها در حوزه اقتصاد، بلکه در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی نیز آثار قابل توجهی برجای می گذارد. برای درک صحیح نقش گردشگری روستایی در توسعه، ضروری است چارچوبی نظری و مفهومی فراهم شود که به صورت هم زمان به رویکردهای کلان توسعه ای، نظریه های اقتصادی مرتبط با تنوع بخشی و مدل های برنامه ریزی و مدیریت گردشگری روستایی بپردازد.

این چارچوب به پژوهشگر امکان می دهد که فراتر از تحلیل های موردی، به درکی جامع از ارتباطات میان گردشگری، اقتصاد محلی، جامعه روستایی و محیط زیست دست یابد. در ادامه، مفاهیم کلیدی و نظریه های مرتبط تشریح و سپس مدل های تحلیلی مرتبط معرفی خواهند شد.

۲-۱- تعریف مفاهیم کلیدی

الف) گردشگری روستایی

گردشگری روستایی (Rural Tourism) به مجموعه ای از فعالیت های گردشگری اطلاق می شود که در محیط های روستایی شکل می گیرند و بر مبنای منابع طبیعی، فرهنگی و اجتماعی خاص آن محیط ها سازمان می یابند. این نوع گردشگری می تواند شامل بوم گردی، گردشگری کشاورزی، گردشگری فرهنگی، گردشگری ماجراجویانه و حتی گردشگری سلامت در روستاها باشد. ویژگی اصلی گردشگری روستایی آن است که ارتباط مستقیم و عمیقی میان گردشگر و جامعه محلی برقرار می کند.

ب) تنوع بخشی اقتصادی

تنوع بخشی اقتصادی (Economic Diversification) فرایندی است که طی آن جامعه یا منطقه ای با کاهش وابستگی به یک بخش خاص (مانند کشاورزی) و ایجاد فرصت های جدید در سایر بخش ها (مانند گردشگری، صنایع دستی یا خدمات) تاب آوری خود را در برابر شوک های اقتصادی و محیطی افزایش می دهد. در مناطق روستایی، این امر به ویژه حیاتی است، زیرا اغلب اقتصاد روستاها بر یک فعالیت اصلی مانند کشاورزی متکی است.



ج) توسعه پایدار روستایی

توسعه پایدار روستایی رویکردی است که تلاش می‌کند هم‌زمان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست را در مناطق روستایی محقق کند. در این چارچوب، گردشگری روستایی تنها زمانی به‌عنوان ابزاری موفق تلقی می‌شود که ضمن ایجاد درآمد و اشتغال، موجب تقویت انسجام اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی شود.

۲-۲- نظریه‌های مرتبط با گردشگری روستایی و تنوع‌بخشی اقتصادی

۱-۲-۲- نظریه تنوع‌بخشی اقتصادی (Economic Diversification Theory)

این نظریه ریشه در اقتصاد توسعه دارد و بر این باور است که اتکای بیش از حد به یک فعالیت اقتصادی خاص باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات می‌شود. به‌عنوان نمونه، وابستگی کامل به کشاورزی در روستاها می‌تواند در شرایط بحرانی مثل خشکسالی، اقتصاد محلی را دچار بحران کند. گردشگری روستایی در این چارچوب به‌عنوان یک فعالیت مکمل مطرح می‌شود که می‌تواند درآمدهای غیرکشاورزی ایجاد کند و ریسک اقتصادی خانوارها را کاهش دهد.

۲-۲-۲- نظریه توسعه درون‌زا (Endogenous Development Theory)

این نظریه بر استفاده از ظرفیت‌ها و منابع بومی تأکید دارد و معتقد است که توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که از درون جامعه و با اتکای به توانمندی‌های محلی شکل گیرد. گردشگری روستایی به دلیل اتکا به منابع محلی (مانند مناظر طبیعی، صنایع دستی، آداب و رسوم) نمونه بارزی از توسعه درون‌زا محسوب می‌شود. اگر جامعه محلی مالک و مدیر فرایند گردشگری باشد، نه تنها منافع اقتصادی عادلانه‌تر توزیع می‌شود، بلکه انگیزه بیشتری برای حفظ منابع وجود خواهد داشت.

۳-۲-۲- نظریه توسعه پایدار (Sustainable Development Theory)

بر اساس این نظریه، توسعه باید به گونه‌ای باشد که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان برآورده کند. گردشگری روستایی در این چارچوب باید به گونه‌ای مدیریت شود که ضمن ایجاد درآمد، منجر به تخریب محیط‌زیست، از دست رفتن فرهنگ بومی یا افزایش نابرابری‌های اجتماعی نشود.

۴-۲-۲- نظریه سرمایه اجتماعی (Social Capital Theory)

سرمایه اجتماعی به شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد متقابل میان افراد جامعه اشاره دارد. گردشگری روستایی می‌تواند سرمایه اجتماعی را از طریق افزایش همکاری‌های محلی، تقویت مشارکت اجتماعی و ایجاد پیوند میان جامعه میزبان و گردشگران ارتقاء دهد. در عین حال، چنانچه مدیریت نادرست باشد، ممکن است باعث بروز تعارضات اجتماعی و کاهش همبستگی گردد.

۵-۲-۲- نظریه وابستگی (Dependency Theory)

این نظریه هشدار می‌دهد که توسعه گردشگری در روستاها ممکن است منجر به وابستگی جدیدی شود؛ به گونه‌ای که روستاها به جای وابستگی به کشاورزی، به گردشگران و سرمایه‌گذاران خارجی متکی شوند. این وضعیت می‌تواند ناپایداری اقتصادی جدیدی ایجاد کند. بنابراین، چارچوب نظری باید همواره به مسئله خودکفایی و توانمندسازی جامعه محلی توجه کند.

۳-۲- مدل‌های تحلیلی در گردشگری روستایی

الف) مدل توسعه جامعه‌محور (Community-Based Tourism Model)



این مدل بر مشارکت مستقیم جامعه محلی در برنامه‌ریزی، مدیریت و بهره‌برداری از گردشگری تأکید دارد. در چنین مدلی، سود حاصل از گردشگری به‌طور عادلانه‌تری میان ساکنان توزیع می‌شود و در نتیجه، حمایت اجتماعی از گردشگری افزایش می‌یابد.

ب) مدل مشارکت ذی‌نفعان (Stakeholder Theory in Tourism)

این مدل بر تعامل میان بازیگران مختلف (دولت، جامعه محلی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و گردشگران) تأکید می‌کند. موفقیت گردشگری روستایی در گرو ایجاد تعادل و همکاری میان این ذی‌نفعان است.

ج) مدل چرخه عمر مقصد (Tourism Area Life Cycle – TALC)

باتلر (Butler) چرخه عمر مقصد را معرفی کرد که شامل مراحل کشف، رشد، بلوغ و افول است. این مدل نشان می‌دهد که گردشگری روستایی بدون برنامه‌ریزی می‌تواند پس از یک دوره رشد، دچار مشکلاتی مانند ازدحام، تخریب محیط‌زیست و کاهش جذابیت شود. بنابراین، مداخله به‌موقع در مراحل اولیه برای تضمین پایداری ضروری است.

د) مدل اقتصاد چندکارکردی روستا (Multifunctional Rural Economy)

این مدل بیان می‌کند که روستاها باید هم‌زمان چند کارکرد داشته باشند: تولید غذا، حفاظت از محیط‌زیست، حفظ فرهنگ و ارائه خدمات گردشگری. گردشگری به‌عنوان بخشی از این اقتصاد چندکارکردی می‌تواند مکمل کشاورزی باشد، نه جایگزین آن.

۴-۲- پیوند میان مفاهیم و نظریه‌ها

چارچوب نظری پیشنهادی برای این مقاله می‌تواند بر اساس تلفیقی از نظریه‌ها و مدل‌های فوق طراحی شود. در این چارچوب:

- گردشگری روستایی به‌عنوان ابزاری برای تنوع‌بخشی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود (نظریه تنوع‌بخشی اقتصادی).
- منابع محلی و مشارکت جامعه در مرکز توجه قرار دارند (نظریه توسعه درون‌زا و مدل جامعه‌محور).
- پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی از طریق مدیریت صحیح تضمین می‌شود (نظریه توسعه پایدار و مدل TALC).
- سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی واسطه‌ای، موفقیت یا شکست پروژه‌ها را تعیین می‌کند (نظریه سرمایه اجتماعی).
- خطرات احتمالی وابستگی جدید نیز مدنظر قرار می‌گیرد (نظریه وابستگی).

۵-۲- چارچوب مفهومی (Conceptual Framework)

بر اساس مباحث بالا، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر شامل عناصر زیر است:

۱. ورودی‌ها (Inputs): منابع طبیعی، فرهنگی و انسانی روستا.
۲. فرآیندها (Processes): برنامه‌ریزی گردشگری، مشارکت محلی، سرمایه‌گذاری، بازاریابی.
۳. خروجی‌ها (Outputs): ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، ارتقای سرمایه اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست.
۴. پیامدها (Outcomes): تنوع‌بخشی اقتصادی، کاهش مهاجرت، افزایش تاب‌آوری روستاها.
۵. عوامل زمینه‌ای (Contextual Factors): سیاست‌های ملی، وضعیت بازار گردشگری، تغییرات اقلیمی، فناوری‌های دیجیتال.



این چارچوب به پژوهشگر امکان می دهد روابط علی میان گردشگری و توسعه اقتصادی روستاها را به صورت نظام مند بررسی کند.

۶-۲- جمع بندی

چارچوب نظری و مفهومی ارائه شده نشان می دهد که گردشگری روستایی نه صرفاً یک فعالیت اقتصادی، بلکه پدیده ای چندبعدی است که با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی درهم تنیده است. برای اینکه گردشگری روستایی به ابزاری مؤثر در تنوع بخشی اقتصادی تبدیل شود، باید در بستری از توسعه درونزا، مشارکت جامعه محلی، توجه به سرمایه اجتماعی و رعایت اصول پایداری شکل گیرد. همچنین، لازم است خطرات وابستگی و ناپایداری اقتصادی در نظر گرفته شود تا توسعه گردشگری به ابزاری برای افزایش تاب آوری و رفاه پایدار در روستاها تبدیل شود.

۳. مرور مطالعات جهانی

مطالعه و مرور تجربیات جهانی در حوزه گردشگری روستایی از آن جهت اهمیت دارد که این حوزه در کشورهای مختلف با شرایط متنوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آزموده شده و نتایج گوناگونی در پی داشته است. بررسی این تجربیات می تواند هم برای شناخت فرصت ها و هم برای پرهیز از تکرار خطاها راهگشا باشد. به ویژه در کشوری مانند ایران که تنوع اقلیمی و فرهنگی بالایی دارد، یادگیری از تجارب بین المللی در زمینه سیاست های حمایتی، مدل های مدیریتی و مشارکت جامعه محلی، می تواند الگوهای عملی ارزشمندی فراهم کند.

در این بخش، ابتدا مطالعات اروپا، سپس آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا و آمریکای شمالی و اقیانوسیه مرور خواهد شد و در پایان تحلیل تطبیقی و درس هایی برای ایران ارائه می شود.

۱-۳- مطالعات اروپا

اروپا یکی از پیشگامان توسعه گردشگری روستایی به شمار می رود. بسیاری از کشورها از دهه ۱۹۷۰ به بعد به این حوزه روی آورده اند، زیرا کشاورزی در بسیاری از مناطق روستایی اروپا به تنهایی قادر به تأمین معیشت پایدار نبود. ورود اتحادیه اروپا به عرصه حمایت از گردشگری روستایی، به ویژه از طریق برنامه LEADER، نقش مهمی در نهادینه سازی این رویکرد داشته است.

الف) اروپای غربی

در کشورهایی چون فرانسه، اسپانیا و ایتالیا، گردشگری روستایی عمدتاً بر پایه دهکده های گردشگری، بوم گردی و اقامتگاه های روستایی شکل گرفته است. مطالعات نشان می دهد که:

- در فرانسه، توسعه «gîtes ruraux» (خانه های روستایی اجاره ای) موجب شد هزاران خانوار روستایی به درآمد مکمل دست یابند. (Sharpley, 2002)
- در اسپانیا، مناطق کوهستانی مانند پیرنه از گردشگری روستایی برای جلوگیری از خالی شدن روستاها بهره بردند. پژوهش ها حاکی از آن است که حضور گردشگران علاوه بر ایجاد اشتغال مستقیم، تقاضا برای صنایع دستی و محصولات محلی را نیز افزایش داده است (Cánoves et al., 2004).



- در ایتالیا، مفهوم **Agriturismo** (گردشگری کشاورزی) رواج یافته است. کشاورزان با فراهم کردن امکانات اقامتی و خدمات گردشگری، علاوه بر فروش مستقیم محصولات خود، توانستند ارتباط مستقیم میان گردشگر و کشاورزی برقرار کنند (Sonnino, 2004).

ب) اروپای شمالی

در کشورهای اسکاندیناوی مانند نروژ و سوئد، گردشگری روستایی بیشتر با فعالیت‌های طبیعت‌محور مانند ماهیگیری، پیاده‌روی در جنگل‌ها و تورهای زمستانی تلفیق شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این نوع گردشگری به دلیل هم‌خوانی با ارزش‌های محیط‌زیستی و علاقه جهانی به اکوتوریسم، رشد چشمگیری داشته است. (Hall et al., 2009)

ج) اروپای شرقی

پس از فروپاشی بلوک شرق، بسیاری از کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان، مجارستان و رومانی با مشکلات بیکاری و مهاجرت روستایی روبه‌رو شدند. در این کشورها، گردشگری روستایی به‌عنوان ابزاری برای بازسازی اقتصاد محلی و ارتقای کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفت. پژوهش‌های انجام‌شده در لهستان نشان می‌دهد که اقامتگاه‌های خانوادگی و جشنواره‌های محلی توانسته‌اند فرصت‌های شغلی متعددی برای زنان و جوانان ایجاد کنند (Lane & Kastenholz, 2015).

د) تحلیل کلی اروپا

بررسی مطالعات اروپایی نشان می‌دهد که:

- نقش سیاست‌های حمایتی: اتحادیه اروپا با تخصیص بودجه‌های قابل توجه، زمینه توسعه پایدار گردشگری روستایی را فراهم کرده است.
- تنوع در الگوها: از گردشگری کشاورزی در ایتالیا تا اکوتوریسم در اسکاندیناوی، هر کشور بر اساس ظرفیت‌های محلی خود مدل خاصی را توسعه داده است.
- پیامدها: گردشگری توانسته است بخشی از وابستگی به کشاورزی را کاهش دهد و فرصت‌های متنوعی ایجاد کند. با این حال، برخی مطالعات به چالش‌هایی مانند تجاری‌سازی فرهنگ محلی، افزایش قیمت زمین و تهدید محیط زیست اشاره دارند (Sharpley, 2010).

۲-۳- مرور مطالعات در آسیا

قاره آسیا با تنوع فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی گسترده، یکی از پویاترین عرصه‌های گردشگری روستایی در دهه‌های اخیر بوده است. از یک سو کشورهایی مانند چین و هند با جمعیت انبوه و چالش‌های شدید فقر روستایی از گردشگری به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر، کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و مدیریت سازمان‌یافته، گردشگری روستایی را به صنعتی پایدار و مکمل اقتصاد ملی تبدیل کرده‌اند. مرور مطالعات این قاره می‌تواند الگوهای متنوعی را برای کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، فراهم کند.

الف) چین: گردشگری به‌عنوان ابزار کاهش فقر



- چین شاید موفق ترین نمونه جهانی در استفاده از گردشگری روستایی برای کاهش فقر باشد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت چین گردشگری را در کنار کشاورزی و صنایع روستایی به عنوان رکن سوم توسعه مناطق محروم معرفی کرد.
- **سیاست ها:** در برنامه های پنج ساله توسعه، گردشگری به طور مستقیم با هدف «کاهش فقر» گره خورد. مناطق روستایی محروم با کمک دولت به مقاصد گردشگری تبدیل شدند.
 - **مطالعات** Zhang et al (2013) نشان دادند که گردشگری توانسته درآمد خانوارهای روستایی را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش دهد.
 - **الگو:** ایجاد «دهکده های گردشگری (Tourism Villages)» با تأکید بر بوم گردی، نمایش فرهنگ محلی و فروش محصولات کشاورزی.
 - **پیامدها:** بسیاری از مناطق روستایی از مهاجرت معکوس برخوردار شدند. با این حال، پژوهش هایی هشدار داده اند که رشد سریع گردشگری موجب فشار بر منابع طبیعی و افزایش نابرابری میان روستاهای برخوردار و محروم شده است (Liu, 2016).

ب) هند: گردشگری اجتماع محور در روستاهای محروم

- هند با تنوع فرهنگی و اجتماعی گسترده، بستر مناسبی برای گردشگری روستایی دارد. در این کشور، از اوایل دهه ۲۰۰۰ پروژه های متعددی تحت عنوان Community-Based Rural Tourism آغاز شد.
- **ویژگی ها:** بیشتر پروژه ها در ایالت های محرومی مانند راجستان، کرالا و اوریسا اجرا شده است.
 - **مطالعات** Scheyvens (2002) و Singh (2010) نشان داده اند که گردشگری اجتماع محور توانسته فرصت های شغلی جدید برای زنان و اقلیت های قومی فراهم کند.
 - **چالش ها:** ضعف زیرساخت ها، عدم دسترسی به بازارهای بین المللی، و مشکلات مدیریتی، برخی پروژه ها را ناکام گذاشته است.
 - **نتیجه:** با وجود محدودیت ها، گردشگری در هند به ویژه در حوزه صنایع دستی و جشنواره های محلی، نقش مهمی در تنوع بخشی به اقتصاد خانوارهای روستایی داشته است.

ج) ژاپن: پیوند کشاورزی و گردشگری (Agri-Tourism)

- ژاپن نمونه ای از کشوری است که گردشگری روستایی را در سطحی پیشرفته و سازمان یافته به اجرا گذاشته است.
- **ویژگی ها:** توسعه دهکده های سبز (Green Villages) و اقامتگاه های کشاورزی که گردشگران در آن ها تجربه کشت و کار و زندگی روستایی را به دست می آورند.
 - **مطالعات** Ohe & Ciani (2011) نشان دادند که Agri-Tourism در ژاپن نه تنها درآمد کشاورزان را افزایش داده، بلکه موجب حفظ کشاورزی سنتی و جلوگیری از رها سازی زمین های کشاورزی شده است.
 - **پیامدهای اجتماعی:** این نوع گردشگری باعث تقویت روابط بین شهری ها و روستایی ها و افزایش درک متقابل فرهنگی شده است.
 - **چالش ها:** برخی مطالعات به افزایش سن بالای کشاورزان و کمبود نیروی جوان در روستاها به عنوان تهدیدی برای استمرار این الگو اشاره کرده اند.



د) کره جنوبی: گردشگری هوشمند روستایی

کره جنوبی در دو دهه اخیر با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، گردشگری روستایی را با بازاریابی دیجیتال و خدمات آنلاین پیوند زده است.

- **سیاست‌ها:** دولت کره پروژه‌های گسترده‌ای برای نوسازی روستاها تحت عنوان «روستاهای تجربه‌ای» (Experience Villages) اجرا کرده است.
- **مطالعات** Kim (2015) نشان می‌دهد که بازاریابی اینترنتی و اپلیکیشن‌های گردشگری موجب افزایش قابل توجه جذب گردشگران داخلی و خارجی به مناطق روستایی شده است.
- **پیامدها:** علاوه بر تنوع بخشی اقتصادی، این الگو توانسته اشتغال جوانان روستایی در حوزه فناوری و خدمات گردشگری را تقویت کند.
- **چالش‌ها:** برخی پژوهش‌ها (Lee, 2018) هشدار داده‌اند که تجاری‌سازی بیش از حد می‌تواند اصالت فرهنگی روستاها را تهدید کند.

ه) آسیای جنوب شرقی: تنوع رویکردها

در کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند تایلند، اندونزی و مالزی، گردشگری روستایی بخش مهمی از استراتژی توسعه پایدار محسوب می‌شود.

- **تایلند:** پروژه «یک دهکده، یک محصول» (One Village One Product – OTOP) یک نمونه موفق از پیوند گردشگری و صنایع دستی است. گردشگران با سفر به روستاها، محصولات منحصر به فرد محلی را خریداری می‌کنند و بدین ترتیب اقتصاد روستاها متنوع می‌شود.
- **اندونزی:** بوم گردی در جزایر روستایی موجب رونق اقتصادی شده با این حال مطالعات (Hampton, 2005) نشان می‌دهد که ضعف در مشارکت جامعه محلی، منافع اقتصادی را بیشتر نصیب سرمایه‌گذاران خارجی کرده است.
- **مالزی:** توسعه **Homestay Program** با هدف ایجاد تجربه زندگی در خانه‌های روستایی، نمونه‌ای موفق از مشارکت خانوارها در گردشگری است (Kalsom, 2006).

ی) تحلیل کلی مطالعات آسیایی

۱. **تفاوت در مقیاس و سیاست‌ها:** در حالی که چین و کره جنوبی سیاست‌های ملی و کلان برای توسعه گردشگری روستایی اتخاذ کرده‌اند، هند و بسیاری از کشورهای جنوب شرقی بیشتر به پروژه‌های محلی و جامعه‌محور متکی هستند.
۲. **نقش کاهش فقر:** در چین و هند، گردشگری بیش از هر چیز به عنوان ابزاری برای کاهش فقر روستایی دیده می‌شود.
۳. **نوآوری و فناوری:** در ژاپن و کره جنوبی، نوآوری در مدل‌های گردشگری) مانند Agri-Tourism و گردشگری هوشمند (توانسته به موفقیت‌های چشمگیری منجر شود.
۴. **چالش‌ها:** تهدید اصالت فرهنگی، فشار بر محیط زیست و نابرابری در توزیع منافع، در اغلب مطالعات تکرار شده است.

۳-۳- مرور مطالعات در آمریکای لاتین



آمریکای لاتین از جمله مناطقی است که گردشگری روستایی و اجتماع محور در آن اهمیت زیادی یافته است. این منطقه دارای تنوع فرهنگی، قومی و طبیعی گسترده است؛ از جوامع بومی آند در پرو و بولیوی تا روستاهای آمازون در برزیل و جنگل‌های استوایی اکوادور. بسیاری از دولت‌های آمریکای لاتین از دهه ۱۹۹۰ به بعد، گردشگری را به عنوان ابزاری برای کاهش فقر و توسعه پایدار در مناطق روستایی معرفی کردند. مرور مطالعات این منطقه نشان می‌دهد که گرچه موفقیت‌های قابل توجهی حاصل شده، اما چالش‌هایی مانند تجاری‌سازی فرهنگ بومی، سلطه سرمایه‌گذاران خارجی و ضعف در مدیریت پایدار منابع طبیعی نیز وجود دارد.

الف) پرو و بولیوی: گردشگری اجتماع محور در جوامع بومی آند

در کشورهای پرو و بولیوی، گردشگری روستایی به شدت با فرهنگ بومی گره خورده است. جوامع بومی آند با بهره‌گیری از سنت‌ها، موسیقی، پوشاک و آداب محلی، گردشگران داخلی و خارجی را جذب کرده‌اند.

- **مطالعات:** پژوهش‌های (2008). Goodwin و Mitchell & Muckosy (2009) نشان می‌دهد که گردشگری اجتماع محور در این کشورها توانسته درآمد خانوارهای فقیر را بهبود بخشد و در عین حال، هویت فرهنگی جوامع را تقویت کند.
- **الگوها:** دریاچه تیتیکاکا (Lake Titicaca) یکی از نمونه‌های شاخص است؛ روستاهای اطراف این دریاچه اقامتگاه‌های خانوادگی ایجاد کرده و گردشگران در زندگی روزمره بومیان مشارکت می‌کنند.
- **پیامدها:** مطالعات حاکی از آن است که این الگو موجب ایجاد اشتغال پایدار برای زنان و جوانان شده است. با این حال، برخی پژوهش‌ها به مشکلاتی مانند نبود آموزش کافی در مدیریت گردشگری و عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی اشاره کرده‌اند.

ب) اکوادور: پیوند گردشگری و حفاظت محیط زیست

اکوادور به ویژه در منطقه آمازون و جزایر گالاپاگوس، نمونه موفق از پیوند گردشگری روستایی و حفاظت محیط زیست ارائه کرده است.

- **سیاست‌ها:** دولت اکوادور از دهه ۱۹۹۰ «اکوتوریسم اجتماع محور» (Community-Based Ecotourism) را ترویج داد.
- **مطالعات:** پژوهش‌های Stronza (2007) نشان داده‌اند که جوامع بومی آمازون با مدیریت مستقیم پروژه‌های گردشگری توانسته‌اند درآمد پایدار کسب کنند و هم‌زمان در حفاظت از جنگل‌های استوایی مشارکت فعال داشته باشند.
- **پیامدها:** گردشگری موجب کاهش وابستگی به فعالیت‌های مخربی مانند شکار غیرقانونی و قطع درختان شده است.
- **چالش‌ها:** برخی پروژه‌ها به دلیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی و تغییر در ساختار تصمیم‌گیری محلی، دچار مشکلاتی مانند نابرابری و از بین رفتن مشارکت واقعی شده‌اند.

ج) مکزیک: تجربه «روستاهای جادویی» (Pueblos Mágicos)



برنامه **Pueblos Mágicos** در مکزیك یکی از مشهورترین الگوهای گردشگری روستایی در جهان به شمار می‌رود. این برنامه از سال ۲۰۰۱ آغاز شد و تا کنون بیش از ۱۳۰ روستا در سراسر کشور به‌عنوان «جادویی» معرفی شده‌اند.

- **ویژگی‌ها:** این روستاها دارای میراث فرهنگی، معماری سنتی و آیین‌های خاص هستند که دولت آن‌ها را به‌عنوان مقاصد گردشگری رسمی معرفی کرده است.
- **مطالعات:** پژوهش‌های Hernández et al. (2016) نشان می‌دهد که این برنامه موجب افزایش قابل توجه گردشگری داخلی و خارجی شده و فرصت‌های شغلی جدیدی برای جوامع روستایی ایجاد کرده است.
- **پیامدها:** علاوه بر رشد اقتصادی، این برنامه به احیای هویت فرهنگی و بازسازی معماری سنتی نیز کمک کرده است.
- **چالش‌ها:** برخی پژوهشگران به مسائلی مانند تمرکز منافع در دست نخبگان محلی، افزایش قیمت زمین و تجاری‌سازی بیش از حد فرهنگ بومی اشاره کرده‌اند.

د) برزیل: اکوتوریسم و کشاورزی خانوادگی

در برزیل، گردشگری روستایی اغلب با اکوتوریسم و کشاورزی خانوادگی در هم تنیده است. به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی، مزارع کوچک خانوادگی با ارائه اقامتگاه و فروش مستقیم محصولات کشاورزی به گردشگران، درآمد خود را متنوع کرده‌اند.

- **مطالعات:** پژوهش‌های Guilherme & Silva (2012) نشان داده است که این مدل علاوه بر ارتقای درآمد کشاورزان، به تقویت بازارهای محلی و حفظ کشاورزی سنتی کمک کرده است.
- **پیامدهای اجتماعی:** گردشگری روستایی در برزیل موجب افزایش نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی و تقویت همبستگی اجتماعی در جوامع محلی شده است.
- **چالش‌ها:** نبود زیرساخت کافی و تمرکزگرایی در مدیریت گردشگری از جمله مشکلات اصلی گزارش شده است.

ه) تحلیل کلی مطالعات آمریکای لاتین

مرور مطالعات نشان می‌دهد که گردشگری روستایی در آمریکای لاتین عمدتاً بر پایه جوامع بومی و تنوع فرهنگی استوار است. در این منطقه، گردشگری اغلب با اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی تلفیق شده و به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی جوامع محلی و حفاظت از محیط‌زیست عمل کرده است.

- نقاط قوت:

۱. تأکید بر مشارکت مستقیم جوامع محلی در مدیریت گردشگری.
۲. پیوند قوی گردشگری با هویت فرهنگی و میراث ناملموس.
۳. نقش مثبت در کاهش فقر و ایجاد اشتغال پایدار.

- چالش‌ها:

۱. ضعف در دسترسی به بازارهای بین‌المللی و بازاریابی حرفه‌ای.
۲. تهدید تجاری‌سازی فرهنگ بومی و اصالت اجتماعی.
۳. خطر نفوذ سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش مشارکت واقعی جامعه.

(و) جمع‌بندی



مطالعات آمریکای لاتین نشان می‌دهد که گردشگری اجتماع‌محور (Community-Based Tourism) می‌تواند ابزاری مؤثر برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها باشد، به شرطی که جوامع محلی نقش محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت داشته باشند. این تجربه‌ها برای ایران نیز آموزنده است، به‌ویژه در مناطقی که دارای میراث فرهنگی و قومی غنی هستند. تلفیق گردشگری با صنایع دستی، موسیقی محلی و جشنواره‌ها، می‌تواند هم به رونق اقتصادی و هم به تقویت هویت فرهنگی منجر شود.

۴-۳- مرور مطالعات در آفریقا

آفریقا به‌عنوان قاره‌ای با منابع طبیعی غنی، تنوع فرهنگی گسترده و سطح بالای فقر روستایی، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه گردشگری روستایی بوده است. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، کشاورزی سنتی به‌تنهایی قادر به تأمین معیشت پایدار برای روستاییان نبوده و دولت‌ها گردشگری را به‌عنوان جایگزین یا مکمل معرفی کرده‌اند. با این حال، توسعه گردشگری روستایی در آفریقا با چالش‌هایی چون ضعف زیرساخت‌ها، نبود سرمایه‌گذاری محلی، وابستگی به سرمایه‌گذاران خارجی و مشکلات مدیریتی روبه‌روست. مرور مطالعات این قاره نشان می‌دهد که فرصت‌های فراوانی برای پیوند گردشگری با حفاظت محیط‌زیست و توانمندسازی جوامع وجود دارد، اما تحقق آن نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه و مشارکت واقعی جامعه محلی است.

الف) شرق آفریقا: کنیا و تانزانیا

- کنیا و تانزانیا دو کشور پیشرو در توسعه گردشگری هستند، به‌ویژه در حوزه گردشگری حیات‌وحش و سافاری.
- **سیاست‌ها:** این کشورها از پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده به‌عنوان جاذبه‌های اصلی استفاده کرده‌اند. بسیاری از جوامع روستایی در حاشیه این پارک‌ها از طریق اقامتگاه‌های بومی، صنایع دستی و خدمات گردشگری منتفع می‌شوند.
 - **مطالعات:** پژوهش‌های Ashley & Roe (2002) نشان می‌دهد که گردشگری در این مناطق توانسته منبع مهمی برای درآمد غیرکشاورزی ایجاد کند و به کاهش فقر کمک کند.
 - **الگوها:** کمپ‌های اجتماع‌محور (Community Camps) که توسط روستاییان اداره می‌شوند، نمونه‌ای موفق از مشارکت محلی هستند.
 - **چالش‌ها:** با وجود منافع اقتصادی، برخی پژوهش‌ها (Nelson, 2010) به مشکلاتی مانند جابجایی اجباری جوامع محلی برای ایجاد پارک‌ها و نابرابری در توزیع منافع اشاره کرده‌اند.

ب) شمال آفریقا: مراکش و تونس

- مراکش و تونس نمونه‌هایی از کشورهایی هستند که گردشگری روستایی را با گردشگری فرهنگی و تاریخی تلفیق کرده‌اند.
- **مراکش:** روستاهای کوهستانی اطلس و مناطق صحرا از مهم‌ترین مقاصد گردشگری روستایی هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توسعه «riad» ها (خانه‌های سنتی بازسازی‌شده) موجب رونق اقتصادی و اشتغال در روستاها شده است (Berriane, 1999).



- **تونس:** پس از اصلاحات اقتصادی، تونس سرمایه‌گذاری در بوم‌گردی و گردشگری روستایی را افزایش داد. مطالعات Boukas & Ziakas (2016) نشان می‌دهد که این نوع گردشگری توانسته جایگزینی برای کشاورزی پرریسک در مناطق خشک فراهم کند.
- **چالش‌ها:** در هر دو کشور، یکی از مشکلات اصلی وابستگی شدید به بازار گردشگری خارجی (اروپا) است؛ بنابراین هرگونه بحران بین‌المللی می‌تواند به کاهش شدید درآمد منجر شود.

ج) آفریقای جنوبی: اکوتوریسم و عدالت اجتماعی

- آفریقای جنوبی به دلیل تاریخ استعماری و آپارتاید، الگوهای خاصی از گردشگری روستایی را تجربه کرده است.
- **ویژگی‌ها:** پس از پایان آپارتاید، دولت تلاش کرد گردشگری را به ابزاری برای توانمندسازی سیاه‌پوستان تبدیل کند.
- **مطالعات:** پژوهش‌های Rogerson (2006) نشان می‌دهد که پروژه‌های اکوتوریسم اجتماع‌محور توانسته‌اند به ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد در جوامع فقیر کمک کنند.
- **پیامدها:** علاوه بر منافع اقتصادی، این پروژه‌ها به بازسازی هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی نیز یاری رسانده‌اند.
- **چالش‌ها:** برخی مطالعات به ضعف ظرفیت مدیریتی و نابرابری در دسترسی به منابع مالی اشاره دارند.

د) سایر کشورها: اوگاندا، غنا و نامیبیا

- در دیگر کشورهای آفریقایی نیز گردشگری روستایی مورد توجه قرار گرفته است:
- **اوگاندا:** با تمرکز بر گردشگری جنگل و بوم‌گردی، روستاهای اطراف جنگل‌های گوریل به مقاصد گردشگری تبدیل شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بخشی از درآمد حاصل از بلیت ورودی پارک‌ها به جوامع محلی اختصاص می‌یابد (Spenceley, 2008).
- **غنا:** گردشگری فرهنگی و بازدید از روستاهای سنتی آکان (Akan) مورد توجه گردشگران خارجی است. با این حال، مطالعات حاکی از آن است که بخش زیادی از سود در دست واسطه‌ها باقی می‌ماند.
- **نامیبیا:** این کشور با اجرای **Community-Based Natural Resource Management (CBNRM)** توانسته مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع طبیعی و گردشگری را نهادینه کند (Jones, 1999).

ه) تحلیل کلی مطالعات آفریقایی

۱. **پتانسیل‌های طبیعی و فرهنگی:** آفریقا دارای منابعی منحصر به فرد مانند حیات وحش، مناظر طبیعی و فرهنگ‌های بومی است که می‌تواند پایه گردشگری روستایی باشد.
۲. **نقش مشارکت محلی:** مطالعات نشان می‌دهد که پروژه‌های اجتماع‌محور در آفریقا بیشترین موفقیت را داشته‌اند، به‌ویژه در کشورهایی مانند نامیبیا و تانزانیا.
۳. **چالش‌ها:**
 - ضعف زیرساخت‌ها (جاده، حمل‌ونقل، بهداشت).



- وابستگی به سرمایه‌گذاران و بازارهای خارجی.
- مشکلات در توزیع عادلانه منافع.

۴. **درس‌ها:** توسعه گردشگری روستایی در آفریقا زمانی پایدار خواهد بود که جوامع محلی به‌طور واقعی در مدیریت مشارکت داشته باشند و سیاست‌ها به‌گونه‌ای طراحی شوند که منافع به‌طور مستقیم به ساکنان روستا برسد.

(و) جمع‌بندی

مرور مطالعات آفریقا نشان می‌دهد که گردشگری روستایی می‌تواند ابزاری مؤثر برای تنوع‌بخشی اقتصادی، کاهش فقر و توانمندسازی اجتماعی باشد. با این حال، موفقیت آن وابسته به ایجاد زیرساخت‌های اساسی، کاهش وابستگی به سرمایه‌گذاران خارجی و تقویت ظرفیت‌های محلی است. برای کشورهایی مانند ایران، تجربه آفریقا آموزنده است از آن جهت که نشان می‌دهد حتی در شرایط ضعف منابع و فقر زیرساخت، اگر مشارکت جامعه محلی جدی گرفته شود، گردشگری می‌تواند نقش مهمی در توسعه روستایی ایفا کند.

۳-۵. مرور مطالعات آمریکای شمالی و اقیانوسیه

آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) و اقیانوسیه (استرالیا، نیوزیلند، جزایر کوچک اقیانوس آرام) در مقایسه با دیگر مناطق جهان، از جایگاه متفاوتی در گردشگری روستایی برخوردارند. این کشورها غالباً دارای زیرساخت‌های قوی، بازارهای گسترده و سیاست‌های حمایتگر هستند. در عین حال، آن‌ها با چالش‌هایی مانند شهری‌شدن گسترده، تغییر سبک زندگی روستایی و فشار برای حفظ محیط‌زیست نیز مواجه‌اند.

الف) ایالات متحده: تنوع‌بخشی اقتصاد کشاورزی

- **ویژگی‌ها:** در ایالات متحده گردشگری روستایی غالباً به‌عنوان ابزاری برای حمایت از کشاورزان و تنوع‌بخشی به درآمد مزارع مطرح است. «آگروتوریسم» (Agri-tourism) در این کشور بسیار توسعه یافته است.
- **مطالعات:** پژوهش‌های Nickerson et al. (2001) و Phillip et al. (2010) نشان داده‌اند که مزارع با ارائه خدماتی مانند بازدید، برداشت محصولات توسط گردشگران، جشنواره‌های برداشت و فروش مستقیم، درآمد خود را افزایش داده‌اند.
- **پیامدها:** گردشگری کشاورزی موجب تعامل میان شهرنشینان و روستاییان، ارتقای فرهنگ مصرف محلی و حفظ کشاورزی کوچک‌مقیاس شده است.
- **چالش‌ها:** با وجود این، برخی مطالعات به مشکلاتی چون وابستگی به فصول گردشگری، هزینه بالای بیمه و فشار مقرراتی اشاره کرده‌اند.

ب) کانادا: بوم‌گردی و حفظ هویت فرهنگی

- **ویژگی‌ها:** کانادا با داشتن مناظر طبیعی بکر (جنگل‌ها، دریاچه‌ها، کوه‌ها) بستر مناسبی برای بوم‌گردی و گردشگری روستایی دارد.
- **مطالعات:** پژوهش‌های Sharpley & Roberts (2004) نشان می‌دهد که گردشگری در مناطق روستایی کانادا علاوه بر ایجاد اشتغال، به حفظ جوامع کوچک و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها کمک کرده است.



- **جوامع بومی:** مطالعاتی مانند Notzke (۲۰۰۹) بر اهمیت نقش «First Nations» (اقوام بومی کانادا) تأکید دارند؛ این جوامع از طریق ایجاد اقامتگاه‌های بومی و معرفی فرهنگ خود، هم درآمد کسب می‌کنند و هم هویت فرهنگی‌شان را تقویت می‌نمایند.
- **چالش‌ها:** نبود سرمایه‌گذاری کافی در مناطق دورافتاده و مشکلات بازاریابی از مهم‌ترین محدودیت‌ها به شمار می‌رود.

ج) استرالیا: پیوند گردشگری با تنوع زیستی

- **ویژگی‌ها:** در استرالیا، گردشگری روستایی غالباً با حفاظت از تنوع زیستی و مدیریت پایدار زمین تلفیق شده است.
- **مطالعات** Lane (2005) نشان داده که بوم‌گردی در مناطق روستایی استرالیا به‌ویژه در ایالت کوئینزلند و نیو ساوت ولز، منبع مهمی برای درآمد جوامع کشاورزی بوده است.
- **نوآوری‌ها:** یکی از ویژگی‌های خاص استرالیا، تلفیق گردشگری با پروژه‌های «کشاورزی ارگانیک» و «تجربه زندگی روستایی» است. گردشگران می‌توانند در فعالیت‌های کشاورزی مشارکت کنند و تجربه زندگی در مزارع سنتی را داشته باشند.
- **چالش‌ها:** خشکسالی‌های پی‌درپی و تغییرات اقلیمی، پایداری این نوع گردشگری را تهدید می‌کند.

د) نیوزیلند: الگوی موفق اکوتوریسم

- **ویژگی‌ها:** نیوزیلند به دلیل مناظر طبیعی منحصربه‌فرد (کوه‌های آلپ جنوبی، جنگل‌های بارانی، سواحل بکر) یکی از پیشروترین کشورها در توسعه گردشگری روستایی و اکوتوریسم است.
- **مطالعات** Higham (2007) و Simmons (2004) گزارش کرده‌اند که سیاست‌های دولت نیوزیلند در حمایت از جوامع روستایی و ادغام گردشگری در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، به موفقیت چشمگیر این بخش منجر شده است.
- **نقش بومیان مائوری:** گردشگری فرهنگی مائوری بخش مهمی از تجربه گردشگران است. پژوهش‌ها نشان داده که این امر موجب توانمندسازی اقتصادی و تقویت هویت فرهنگی جوامع مائوری شده است.
- **چالش‌ها:** افزایش بیش‌ازحد گردشگران خارجی و فشار بر منابع طبیعی از نگرانی‌های اصلی است.

ه) جزایر کوچک اقیانوس آرام

- **ویژگی‌ها:** کشورهای جزیره‌ای مانند فیجی، ساموآ و وانواتو گردشگری را به‌عنوان ستون اصلی اقتصاد خود توسعه داده‌اند.
- **مطالعات** Scheyvens (1999) در مطالعه‌ای کلاسیک نشان داد که گردشگری اجتماع‌محور در این کشورها توانسته نقش مثبتی در کاهش فقر و توانمندسازی زنان ایفا کند.
- **چالش‌ها:** وابستگی بیش‌ازحد به گردشگری خارجی و آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی (توفان، سونامی) از مشکلات اساسی هستند.

و) جمع‌بندی



تجربه آمریکای شمالی و اقیانوسیه نشان می‌دهد که زیرساخت قوی، سیاست‌های حمایتی و مشارکت جوامع بومی کلید موفقیت در توسعه گردشگری روستایی است. این کشورها توانسته‌اند گردشگری را به منبعی پایدار برای تنوع‌بخشی اقتصاد، حفاظت محیط‌زیست و تقویت هویت فرهنگی تبدیل کنند.

۶-۳- تحلیل تطبیقی و درس‌هایی برای ایران

الف) شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان مناطق جهان

۱. اروپا: تمرکز بر تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی و احیای میراث فرهنگی.
۲. آسیا: تأکید بر گردشگری اجتماع‌محور و پیوند با کشاورزی سنتی.
۳. آمریکای لاتین: تمرکز بر جوامع بومی و فرهنگ محلی.
۴. آفریقا: پیوند گردشگری با حفاظت محیط‌زیست و کاهش فقر.
۵. آمریکای شمالی و اقیانوسیه: بهره‌گیری از زیرساخت‌های قوی و سیاست‌های حمایتی.

ب) درس‌های کلیدی برای ایران

۱. توجه به مشارکت محلی: تجربه آفریقا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که موفقیت گردشگری روستایی در گرو مشارکت واقعی جامعه است.
۲. تنوع‌بخشی به اقتصاد روستا: همانند اروپا و آمریکا، گردشگری می‌تواند مکمل کشاورزی باشد و از مهاجرت روستاییان جلوگیری کند.
۳. استفاده از ظرفیت فرهنگی: تجربه مکزیک، نیوزیلند و کانادا بیانگر اهمیت میراث فرهنگی و اقوام بومی در جذب گردشگر است؛ ایران نیز دارای تنوع قومی و فرهنگی گسترده است.
۴. پیوند با محیط‌زیست: مانند استرالیا و نامیبیا، ایران می‌تواند گردشگری را با حفاظت از منابع طبیعی (جنگل‌ها، کویرها، مراتع) ترکیب کند.
۵. زیرساخت و سیاست‌گذاری: همانند آمریکای شمالی، تقویت زیرساخت‌ها (حمل‌ونقل، بازاریابی، آموزش) و سیاست‌های حمایتی شرط لازم برای پایداری گردشگری روستایی در ایران است.

ج) نتیجه‌گیری کلی

مرور مطالعات جهانی نشان می‌دهد که گردشگری روستایی ابزاری چندبعدی برای توسعه است:

- بعد اقتصادی: ایجاد اشتغال و درآمد.
- بعد اجتماعی: توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت انسجام اجتماعی.
- بعد فرهنگی: حفظ و احیای سنت‌ها و میراث.
- بعد زیست‌محیطی: حفاظت از منابع طبیعی.

برای ایران، با توجه به پتانسیل‌های طبیعی (کوهستان، کویر، جنگل، سواحل) و فرهنگی (اقوام، صنایع دستی، موسیقی محلی)، طراحی سیاست‌های جامع و مبتنی بر مشارکت محلی می‌تواند گردشگری روستایی را به موتور محرک توسعه پایدار بدل کند.



۴. مرور مطالعات ایران

ایران به عنوان کشوری با تنوع اقلیمی، فرهنگی و قومی چشمگیر، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای توسعه گردشگری روستایی دارد. وجود بیش از ۶۲ هزار روستا، تنوع زیستی از کویر تا جنگل‌های شمال، سواحل طولانی در جنوب و شمال و همچنین میراث غنی ناملموس مانند موسیقی محلی، آیین‌ها، صنایع دستی و سبک‌های معماری سنتی، بستر کم‌نظیری برای این نوع گردشگری فراهم کرده است. با این حال، مطالعات داخلی نشان می‌دهد که گردشگری روستایی در ایران با وجود ظرفیت‌های فراوان، هنوز به طور کامل نتوانسته نقش محوری خود را در توسعه اقتصادی روستاها ایفا کند.

الف) مطالعات نظری و سیاستی در ایران

- مطالعات نظری در ایران عمدتاً به بررسی جایگاه گردشگری روستایی در سیاست‌های توسعه و اسناد بالادستی پرداخته‌اند.
۱. جایگاه در برنامه‌های توسعه: در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، گردشگری روستایی به عنوان بخشی از راهبرد تنوع‌بخشی اقتصاد غیرنفتی مطرح شده است. با این حال، محققان (مانند رضوانی، ۱۳۹۰) معتقدند که این سیاست‌ها بیشتر در سطح شعار باقی مانده‌اند و کمتر به برنامه‌های عملیاتی منجر شده‌اند.
 ۲. نقش سازمان‌ها: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در سال‌های اخیر اقدام به تعریف «روستاهای هدف گردشگری» کرده است (بیش از ۳۰۰ روستا). پژوهش‌ها (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد که این اقدام گامی مثبت بوده، اما نبود زیرساخت و آموزش محلی موجب شده بسیاری از این روستاها نتوانند به طور پایدار از مزایای گردشگری بهره‌مند شوند.
 ۳. تحلیل انتقادی: پژوهشگران ایرانی بر این باورند که سیاست‌های کلان بیشتر رویکردی از بالا به پایین دارند و کمتر به مشارکت واقعی روستاییان توجه کرده‌اند (هاشمی و نوری، ۱۳۹۶).

ب) مطالعات موردی منطقه‌ای

- بخش مهمی از ادبیات ایران به بررسی موردی روستاهای خاص پرداخته است. این مطالعات اغلب در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری و نیز مقالات پژوهشی منتشر شده‌اند.
۱. مناطق شمالی (گیلان و مازندران): پژوهش‌ها در روستاهایی مانند ماسوله و جواهرده نشان داده‌اند که گردشگری موجب رونق صنایع دستی، ایجاد اشتغال برای زنان و افزایش درآمد خانوارها شده است (فاضلی، ۱۳۹۳). در عین حال، برخی پژوهش‌ها به مشکلاتی مانند افزایش قیمت زمین، تغییر کاربری کشاورزی و تخریب محیط‌زیست اشاره کرده‌اند (صالحی، ۱۳۹۷).
 ۲. مناطق کویری (یزد، اصفهان، کرمان): در روستاهایی مانند خراشق، میمند و مصر، گردشگری کویری و بوم‌گردی توسعه یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که این نوع گردشگری توانسته منبع مهمی برای اشتغال جوانان و جلوگیری از مهاجرت باشد (کاظمی، ۱۳۹۴). با این حال، ضعف زیرساخت‌هایی چون آب، برق و حمل‌ونقل همچنان مانع اصلی است.
 ۳. مناطق غربی و زاگرس: روستاهای مناطق کردستان، لرستان و کرمانشاه دارای جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی قابل توجه‌اند. پژوهش‌های محلی نشان می‌دهد که گردشگری عشایری و طبیعت‌گردی می‌تواند مکمل اقتصاد دامداری باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸).



۴. **جنوب و جزایر خلیج فارس:** در مناطقی مانند قشم، هرمز و هنگام، بوم گردی و گردشگری دریایی توسعه یافته است. پژوهش‌های رحمانی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که این امر موجب تقویت اقتصاد محلی، به‌ویژه برای زنان در حوزه صنایع دستی و خوراکی‌های محلی شده است.

ج) مطالعات موضوعی با تأکید بر اقتصاد روستا

۱. **اشتغال و درآمد:** بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گردشگری توانسته سهم مهمی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی داشته باشد. برای مثال، در مطالعه‌ای بر روی ۲۰ روستای هدف گردشگری در استان فارس، مشخص شد که متوسط درآمد خانوارهای فعال در گردشگری ۲ تا ۳ برابر دیگران است (جعفری، ۱۳۹۴).
۲. **نقش زنان و جوانان:** گردشگری فرصت‌های شغلی جدیدی برای زنان (در صنایع دستی، اقامتگاه‌ها و خوراکی‌ها) و برای جوانان (در راهنمایی گردشگری و خدمات حمل‌ونقل) فراهم کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این امر به کاهش مهاجرت جوانان به شهرها کمک کرده است (موسوی، ۱۳۹۶).
۳. **صنایع دستی و اقتصاد محلی:** گردشگری موجب رونق صنایع دستی مانند سفال، منسوجات و گلیم شده است. برای مثال، در کلپورگان سیستان و بلوچستان، گردشگری نقش مهمی در معرفی سفالگری زنان بلوچ ایفا کرده است (زارع، ۱۳۹۷).
۴. **چالش‌ها و پیامدهای منفی:** افزایش قیمت زمین و تغییر کاربری اراضی کشاورزی، وابستگی شدید به فصول گردشگری (به‌ویژه تابستان و نوروز)، ضعف در بازاریابی و جذب گردشگر خارجی، تخریب محیط‌زیست به دلیل نبود مدیریت پایدار.

د) تحلیل کلی مطالعات ایران

با جمع‌بندی پژوهش‌های ایران می‌توان موارد زیر را اذعان کرد:

- **نقاط قوت:** تنوع اقلیمی و فرهنگی، پتانسیل بالا برای توسعه بوم‌گردی، وجود نیروی انسانی مشتاق.
- **نقاط ضعف:** سیاست‌گذاری از بالا به پایین، نبود زیرساخت، ضعف بازاریابی، تجاری‌سازی افراطی در برخی مناطق.
- **فرصت‌ها:** افزایش گرایش به بوم‌گردی در میان گردشگران داخلی و خارجی، رشد اقامتگاه‌های بوم‌گردی، حمایت‌های جدید دولتی.
- **تهدیدها:** بحران آب و محیط زیست، مهاجرت مداوم جوانان، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی.

ه) جمع‌بندی

مطالعات ایران نشان می‌دهند که گردشگری روستایی در صورت مدیریت صحیح و مشارکت واقعی جامعه محلی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها عمل کند. این امر مستلزم:

- **تقویت زیرساخت‌ها** (حمل‌ونقل، بهداشت، ارتباطات).
- **آموزش و توانمندسازی محلی** (ویژه زنان و جوانان).
- **سیاست‌گذاری مشارکتی** به‌جای رویکرد از بالا به پایین.
- **حفاظت محیط‌زیست و فرهنگ بومی** هم‌زمان با توسعه گردشگری.



۵. بحث و تحلیل تطبیقی

مرور مطالعات جهانی و ایران نشان می‌دهد که گردشگری روستایی در همه کشورها ابزاری برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها بوده است، اما مسیرها و نتایج متفاوت‌اند.

۱. سیاست‌گذاری:

- اروپا و شرق آسیا دارای چارچوب‌های نهادی و حمایت‌های مالی پایدار هستند.
- ایران سیاست‌های کلان دارد، اما اجرای آن‌ها پراکنده و از بالا به پایین است.

۲. مشارکت محلی:

- در هند، نپال و تایلند جوامع محلی نقش فعالی در مدیریت و بازاریابی دارند.
- در ایران مشارکت بیشتر در سطح اجرای پروژه‌هاست، نه تصمیم‌گیری.

۳. بازاریابی و جذب گردشگر:

- اروپا و آسیا از بازاریابی حرفه‌ای و دیجیتال بهره می‌برند.
- ایران در بازاریابی و برندینگ مقصد ضعیف عمل کرده است.

۴. اقتصاد و اشتغال:

- در اروپا گردشگری مکمل کشاورزی است.
- در ایران گردشگری درآمد ایجاد کرده، اما ناپایدار و بدون پشتوانه بیمه‌ای است.

۵. چالش‌ها:

- مشترک: تهدید محیط‌زیست و تغییر فرهنگ.
- ایران: کمبود زیرساخت، ضعف مدیریت و سرمایه‌گذاری پایدار.

جمع‌بندی

ایران از نظر ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی مشابه کشورهای موفق است، اما برای بالفعل‌سازی آن‌ها باید سیاست‌های پایدار و مشارکتی اتخاذ کند، بازاریابی دیجیتال و برندینگ مقصد را تقویت نماید، گردشگری را در کنار کشاورزی و صنایع‌دستی قرار دهد و حفاظت از محیط‌زیست و فرهنگ محلی را جدی بگیرد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مرور مطالعات نشان داد که گردشگری روستایی در جهان و ایران به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها عمل می‌کند. کشورهای موفق، مانند بسیاری از کشورهای اروپایی و شرق آسیا، با سیاست‌گذاری پایدار، حمایت‌های نهادی، مشارکت فعال جامعه محلی و بازاریابی حرفه‌ای توانسته‌اند گردشگری روستایی را به منبع درآمد پایدار، ایجاد اشتغال و حفاظت از فرهنگ و محیط‌زیست تبدیل کنند.



در ایران، با وجود ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی بی‌نظیر، گردشگری روستایی هنوز به پتانسیل واقعی خود دست نیافته است. ضعف زیرساخت‌ها، کمبود مشارکت موثر جوامع محلی، محدودیت در بازاریابی و برندینگ و تهدیدات زیست‌محیطی، از جمله موانع اصلی توسعه پایدار این حوزه هستند. با این حال، تجربیات جهانی نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها قابل رفع بوده و با برنامه‌ریزی درست می‌توان گردشگری روستایی را به موتور محرک توسعه پایدار در روستاهای ایران تبدیل کرد.

پیشنهادهای

۱. **سیاست‌گذاری مشارکتی و پایدار:** تدوین چارچوب‌های نهادی که جوامع محلی را در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت گردشگری درگیر کند، به‌ویژه در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی پروژه‌ها.
۲. **توانمندسازی محلی:** آموزش و ارتقای مهارت‌های زنان و جوانان در مدیریت اقامتگاه‌ها، ارائه خدمات گردشگری، بازاریابی دیجیتال و صنایع دستی.
۳. **بازاریابی و برندینگ مقصد:** استفاده از پلتفرم‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های چندزبانه برای معرفی روستاهای هدف گردشگری به بازار داخلی و بین‌المللی.
۴. **پیوند گردشگری با کشاورزی و صنایع دستی:** توسعه گردشگری مکمل کشاورزی (agritourism) و حمایت از تولید و معرفی صنایع دستی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر تجربه گردشگری.
۵. **حفاظت از محیط‌زیست و فرهنگ بومی:** تدوین و اجرای راهبردهای پایدار برای حفاظت از منابع طبیعی، میراث فرهنگی و ارزش‌های سنتی جوامع روستایی.
۶. **پژوهش‌های آینده:** تمرکز بر تحلیل اقتصادی-اجتماعی گردشگری در مناطق مختلف ایران، ارزیابی اثرات بلندمدت و شناسایی مدل‌های موفق مشارکتی و بومی‌سازی تجارب جهانی.

۷. مراجع

1. Hall, D. (2005). Rural tourism development in Southeastern Europe: Transition and the search for sustainability. *International Journal of Tourism Research*, 7(3), 165–176.
2. Lane, B. (1994). What is rural tourism? *Journal of Sustainable Tourism*, 2(1–2), 7–21.
3. Scheyvens, R. (2007). Exploring the tourism-poverty nexus. *Current Issues in Tourism*, 10(2–3), 231–254.
4. Sharpley, R., & Roberts, L. (2004). Rural tourism—10 years on. *International Journal of Tourism Research*, 6(3), 119–124.
5. Su, B. (2011). Rural tourism in China. *Tourism Management*, 32(6), 1438–1441.
6. Yamamoto, D., & Gill, A. (2002). Emerging trends in Japanese rural tourism: The rise of farm stay tourism. *Tourism Geographies*, 4(3), 283–305.

۷. جعفری، م. (۱۳۹۴). بررسی نقش گردشگری در افزایش درآمد خانوارهای روستایی: مطالعه موردی روستاهای هدف گردشگری استان فارس. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی*، ۶(۲)، ۷۹–۹۸.



۸. حسینی، ف.، و همکاران. (۱۳۹۵). ارزیابی طرح روستاهای هدف گردشگری در ایران. فصلنامه پژوهش‌های گردشگری، ۱۱(۳)، ۱۱۱-۱۳۰.
۹. رضوانی، م. (۱۳۹۰). گردشگری روستایی در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. زارع، ع. (۱۳۹۷). نقش گردشگری در رونق صنایع‌دستی زنان بلوچ: مطالعه موردی روستای کلیپورگان. پژوهش‌های اجتماعی ایران، ۱۲(۴)، ۷۲-۵۵.
۱۱. صالحی، ن. (۱۳۹۷). اثرات اجتماعی و اقتصادی گردشگری در روستاهای شمال ایران: مطالعه موردی ماسوله. مطالعات روستایی ایران، ۱۹(۱)، ۶۲-۴۵.
۱۲. فاضلی، ر. (۱۳۹۳). نقش گردشگری در توسعه پایدار روستاهای شمال ایران: مورد جواهرده. مجله پژوهش‌های توسعه روستایی، ۵(۲)، ۸۹-۱۰۸.
۱۳. کاظمی، ش. (۱۳۹۴). گردشگری کویری و توسعه پایدار روستایی: مورد روستای مصر. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۲(۳)، ۸۴-۶۷.
۱۴. محمدی، الف.، و همکاران. (۱۳۹۸). ارزیابی نقش گردشگری عشایری در اقتصاد محلی: مطالعه موردی لرستان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۳۱(۲)، ۴۰-۲۱.
۱۵. موسوی، س. (۱۳۹۶). گردشگری روستایی و اشتغال زنان: مطالعه در اقامتگاه‌های بوم‌گردی استان یزد. پژوهش‌های زنان و توسعه، ۸(۲)، ۱۵۲-۱۳۳.
۱۶. اشمی، م.، و نوری، س. (۱۳۹۶). نقد سیاست‌های کلان گردشگری روستایی در ایران. مطالعات برنامه‌ریزی روستایی، ۱۷(۱)، ۱۲۰-۹۹.
۱۷. رحمانی، ح. (۱۳۹۲). نقش گردشگری دریایی در توانمندسازی اقتصادی زنان: مورد جزایر قشم و هنگام. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۳)، ۹۶-۷۷.